رزمندگان دموکراتیک خلق افغانستان! در مبارزات خود زنجیر اصول را از دست ندهید! پیگیری و تحمل در مبارزه را با شجاعت واستواری یکجا کنید! از تسلیم طلبی وماجراجوئی هردو اجتناب نمائید! روحیه رزمندگی و قهرمانی را توام با اصولیت وهوشیاری درخود پرورش دهید! اصل تواضع وخدمت به خلق را از یاد نبرید! بامتحدین خود براستی وصداقت رفتار کنید! به خلق، به وطن، به جریان دموکراتیک خلق افغانستان، به نهضت رهائی بخش دموکراتیک واجتماعی کشور وفادار باشید!

# پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره یازدهم سال دوم دوشنبه ۱۲ جوزا ۴۸ – ۲ جون ۶۹، شماره مسلسل ۶۳

## د شوروی اتحاد او افغانستان گډه

### اعلامیه خپره شوه

په دی اعلامیه کښی ویل کیږی: د افغانستان د صد را عظم نوراحمد اعتمادی په بلنه د شوروی اتحاد د وزیرانو دشورا رئیس الکسی کاسیگین د ۱۳۴۸ کال د جوزا له پنځمی نه تر نهمی نیټی پوری چه د ۱۹۶۹ کال دمی دشپږ و یشتمی نه تر دیرشمی نیټی پوری کیږی، افغانستان ته رسمی او دوستانه مسافرت وکړ.

له الکسی کا سیگین سره په دی سفر کښی دقرغزستان دسوسیالستی شوروی جمهوریت دوزیرانو دشورا رئیس ا حمد بیک ا ، س سویوم بالیف او د مالدا و یاد سو سیا لسی شوروی جمهوریت د وزیرانو دشورا رئیس اف، دی اور دینسا او نور ملگری وو.

الکسی کا سیگین د شوروی اتحاد د عالی شورا د رئیسه هیات د شوروی اتحاد د حکومت او خلکو مبارکی د افغانستان خلکو ته د افغانستان د خپلوا کی د روځی په مناسبت چه د جوزا په شپږمه د می په اوه ویشتمه ونمانځل شوه وړاندی کړه.

دغه ورځ له افغانستان سره د شوروی اتحاد د روابطو د ټینگیدو له پنځو سمی کالیزی سره غبرگونی وه او دغه تاریخی ورځ هم په ډیر ښه توگه په افغانستان کی ونمانځل شوه.

د شوروی اتحاد د وزیرا نو د شورا رئیس په افغانستان کښی د خپل مسا فرت په موده کښی دپولی تخنیک د موسسی دپرا نیستلو په هغو شا ندارو مرا سمو کښی گډون وکړ چه د افغانستان د انجنیرانو او دتخنیک دخاوندانو دملی کدر د روزنی یو ډیر مهم مرکز گڼل کیږی.

دغه موسسه د شوروی اتحاد په مرسته جوړه شویدی. الکسی کاسیگین او دده ملگرو نوری هغه موسسی چه د شوروی اتحاد په مرستی جوړی شویدی د ننگر هار د اوبو لگولو د سیستم په شمول چه په هغه ځای کښی ئی دغازی آباد د فارم د پرا نیستلو په مرا سمو کښی برخه واخیسته، وکتلی... دافغانستان په ټولو ځایو کښی د گران شوروی میلمه او د دوی ملگری له هغو تودو هر کلیو او ښو میلمه پالنو سره چه دشوروی ولس په نسبت دافغانستان دولس ددوستی او احترام ښکارندوی دی مخامخ شول.

د خبرو په جریان کښی دوا ړو خواوو پدی رضایت څرگند کړ چه هغه وخت چه د افغانستان د خپلوا کی د مبا رزی مشران او د شوروی دولت موسس ولاد یمیر ایلیچ لنین د دواړو هیوادو د اجتماعی او سیاسی نظا مو نو د تفاوت سره سره د دواړو دولتو تر منځ خپلواکی او حاکمیت ته د احترام ، دحقوقو دپوره برابری اود یو بل په کورنیو کښی دلاس نه وهلو په باب د دوستی او مودت روابط ټینگ کړل ددوی دغه اقدام دتدبیر او پوهی پوره ښکاره ندوی وو.

د ښه گاونډ یتوب او ډول ډول همکا ریو د سیا ست ، خط مشی چه افغانستان او شوروی دولتو له خوا پنځوس کاله دمخه د متقابله روابط دپاره ټاکل شوی ووپه ډیرو سختو بین المللی حالاتو کښی دزمانی له از موینی نه وتلی او خپل حیاتی قدرت یی ثابت کړی دی.

(۳ مخ)

## ۵۰ سال از استقلال سیاسی کشور

### گذشت ، ولی حکومتها ی افغانستان به حل حداقل مسایل مبرم ملی وحیاتی جامعه نپرداختند

پنجاه سال از اعلام استقلال سیاسی افغانستان میگذرد، ولی طی این سالها که ممکن بود کشور ما با استفاده از منابع و امکانات وسیع آن به کشوری ازلحاظ اقتصادی پیشرفته تبدیل گردد، متاسفانه همانطور عقب مانده نگهداشته شده است و ده ها مسأله مبرم وحیاتی آن حل نا شده باقی مانده است. حکومتهای سابق وفعلی افغانستان بنابر ماهیت طبقاتی خویش و اینکه تکیه گاه اجتماعی آنهارا نیرو های ارتجاعی و منسوخ جامعه تشکیل داده است، قادر به حل مسایل حیاتی در جامعه ما نگردیده اند.

– سیاست اقتصادی حکومتهای افغانستان نه تنها موجب فقر وتهیدستی مردم ما، بلکه مانع رشد طبیعی وسریع اقتصادی کشور نیز گردیده است. هم اکنون به اعتراف خود حکومت رکود اقتصادی در جامعه حکمفرماست،

– عواید ملی ما یکی از کمترین عواید جهانیست، عاید سرانه در سطح فوق العاده نازلی قرار دارد،

– نمایندگیهای انحصارات امپریالیستی، تجارخارجی وبورژوازی کمپرادور داخلی در امور تجارت و اقتصاد کشور از نفوذ روز افزونی بر خوردار میگردند وزمینه های مساعد تر چپاولگری وغارتگری را بدست می آورند،

– در برابر ورود بی بند وباراموال تجملی وبیلزوم در اثر سیاست تجارتی در های باز حکومت هیچگونه مانعی وجود ندارد، کار « پر سود» قاچاق وقاچاقبری به سر کردگی متنفذین پر قدرت در دستگاه حاکمه کشور، روز تاروز به یك امر کاملا رایج وقبول شده تبدیل میگردد،

– عدم تنظیم و اجرای پلانهای مثمر اقتصادی، عدم تعقیب ایجاد پروژه های بزرگ ساختمانی وتولیدی خیلی ضروری، ایجاد موانع در راه صنعتی شدن کشور ورشد سریع تولید، موجب عدم استخدام وسیع وکندی وحشتناك رشد اقتصادی جامعه گردیده است،

– هم اکنون دو ثلث نفوس بالقوه آماده بکار وفعال کشور یابیکاراندو یا در کار های غیر تولیدی اشتغال دارند،

– کارگران که مولد نعمات مادی هستند، از لحاظ شرایط کار وزندگی به مشکلات عظیمی مواجه اند، بطور وحشیانه ئی استثمار میگردند، هیچگونه مصئونیت ندارند، از کار اخراج میشوند، تعبید وزندانی میگردند،

– بار سنگین مالیات غیر مستقیم که روز افزون است، کمر مردم را در

(ص ٤)

## مردم بیلانس عواید و مصارف

### بیست ساله ((غله خانه آینده (!))) افغانستان یا پروژه استعماری وادی هلمند را میخواهند

حکومتها ی افغانستان از مدتیست پالیسی « توازن قوا » را که چیزدیگری جز معامله گری سیاسی بوده نمیتواند ، در مسایل اقتصادی نیز مصنوعاً تعمیل مینمایند. بطور مثال: هنگامیکه ایجاد یا بهره برداری ازیک پروژه ثمر بخش اقتصادی طرح شود ، به تأسی ازین «پالیسی» به «رقابت» و برای دلخوشی مراجع امپر یالیستی پروژهٔ دیگری را که تجربه وعمل بوضاحت غیر اقتصادی بودن آنرا ثابت کرده است ، مطرح میکنند و پهلوی آن قرار میدهند.

مسأله را با ارائه مثال مشخصی در نظر میگیریم: در چند روزگذشته همزمان باافتتاح فارم غازی آباد ننگرهار بر اساس همین پالیسی سرو صدا ها وتبلیغات وسیعی به یکبار کی راه افتاد که «پروژهٔ بزرگ ووسیع وادی هلمند وارغنداب ، در آینده غله خانه افغانستان خواهد بود».

هر گاه ماهیت واقعی چنین پالیسی تبلیغاتی حکومت برای مردم معلوم نباشد ، حتماً فکر خواهند کرد که دروادی هلمند بطورمعجزه آسا خلاقیت بزرگی صورت گرفته است.

پروژهٔ وادی هلمند با صرف تخمیناً بیش از یکصد وپنجاه ملیون دالر وصد ها ملیون افغانی ،قریب بیست سال قبل توسط امریکائیها آغاز گردید ، بدون اینکه فرجام آن معلوم باشد . تعجب آور است، این پروژه که تاکنون به صورت قطع موفق نگردیده است لا اقل بقدر مصارف بود جوی سالانهٔ خود حاصل دهد ،چطور به یکبارگی سروصدا بالا کرد و « غله خانه افغانستان» شد ؟ اینرا میگویند عوام فریبی وتبلیغات میان خالی !

تاکنون دستگاه حاکمه افغانستان از شرم نمیتوانست نام پروژهٔ وادی هلمند را به زبان آورد، اکنون روی دیگر صفحه را گذاشته اند و برای پو شانیدن وضع شرم آور این پروژه تبلیغات وسیع وپر طمطراقی رابراه انداخته اند . در حالیکه بجرأت میتوان گفت که نه تنها در آینده نیز پروژه وادی هلمند نخواهد توانست برای سالیان درازی مصارف خودرا تکافو نماید ، بلکه ناکامی بیشتر آن یکبار دیگر موجب خجالت بلندگویان وتبلیغاتچی های دستگاه حاکمه خواهد شد.

(ص۲)

## باید ارتجاع فتنه انگیز راست وچپروان

### اخلا لگر را از نهضت تجرید کرد!

در قبال حوادث اخیر وبا نزدیک شدن انتخا بات دورهٔ سیز دهم شوری تما م عناصر ، محا فل و گروههای سیاسی در کشور بیش ا زپیش فعال گردیده اند تا بسود خویش ازینو ضع به نحوی بهره برداری نمایند. اگر مسأله بطورکلی در نظر گرفته شود میتوان در برابر نهضت رها یی بخش ملی واجتماعی ونیرو های اصیل و طنپر ست ترقیخواه فعا لیتهای عناصرومحافل وگروههای مر بوط به نیرو های ارتجاع دست راستی وچپروان فتنه گر را یکجا ودر یك جهت، درآئینهٔ حوادث روز بطور روشنتر ملاحظه کرد. این گروههای ارتجاعی وعناصر سیاه اخلالگر پیو سته در اندیشه ایجاد فضا ی اختنا ق و مغشوشی استند ، تا درپناه آن بتوانند فعالیت های خرابکارانه خودرا بوجه بهتری انجام دهند . آنها در تلاش افتاده اند تا هر گونه وسایل سیاه را بمنظور سر کوبی ونا کامی جنبش دموکراتیک وملی کشور وتخریب جریانات وطنپرست و ترقیخواه ، چه از داخل دستگاه حاکمه و چه برون از آن ، بکار برند .

ما هیت واهداف واقعی این عناصر وگروهها ، از راست ترین نیرو ها گرفته که نمایند گان مستقیم ارتجاع سیاه داخلی و امپریالیزم اند تاگروه ما ورای «چپ» وما جرا جو که عمال مستقیم شو وینیزم عظمت طلبانه میباشند ، معلوم است ونتایج اعمال آنها ( علی رغم تفا وتهای ظا هری وشکلی میا ن شا ن) در آخرین تحلیل همانندویکسان است ، که بنا به دستور دشمنان خارجی و با صد ها پیوند ووابستگی ضد منافع ومصالح عالیه ملی کشور میکو شند با حرکات نمایشی خود از یکطر ف عرصه را برای رشد سالم نهضت ملی و مترقی در جامعه و جریا نات تر قیخواه وطنپرست تنگ وتنگتر سازند و از سوی دیگر در برابر استقرار متقابل مناسبات افغانستان باکشور های ملی و صلحدوست تر قیخواه پیشروتفتین نمایند .

نتایج تلاشها، حرکات وعمق نیات سوء وغیر وطنپرستانه این نیروها وگروهها را در روز های اخیرحتی با اندکی توجه ، بو ضوح تمام میتوان مشاهده کرد. گما شتگان شووینیزم عظمت طلبانه خارجی با شعار های خائنانه ، آب را گل آلود میکنند تا بزیان نهضت رهایی بخش ملی ودمو کراتیک ضد ارتجاع وامپریالیزم وبه نفع شوووینیزم عظمت طلبا نهٔ خود بهره بر دا ری کنند . برای

(ص۲)

## خلق سودان از بوجود آمدن رژیم

### مترقی در کشور خود باشادمانی استقبال کردند

هفته گذشته کودتایی در سودان صورت گرفت که در نتیجه آن یک شورای انقلابی زمام امور را بدست آورد. در اعلامیه ئی که توسط شورای مذکور انتشار یافت گفته شد:

«مابرای اجرای یك وظیفهٔ مشخص وواحد دست به کودتا زدیم وآن عبارت از ترك عقب ماندگی، تامین کار و غذا برای مردم سودان میباشد.»

خلق سودان این تغییر رژیم را باشادمانی استقبال کردند . مردم برای اینکه از سلطهٔ نظامی فرتوت وارتجاعی نجات یافتند، در کوچه ها، جاده ها وپارکها شادی وپایکوبی نمودند وبوجود آمدن رژیم مترقی را در کشور خویش بهمدیگر تبریک گفتند .

روز (۷) جوزا اعضای دولت جدید، جهت خدمت به مردم حلف وفا داری یاد کردند. کابینهٔ جدید از تمام جمعیت های سیاسی چپ تشکیل گردیده وپایهٔ اساسی خط مشی آن تطبیق سوسیالیزم در سودان میباشد . دولت جدیددرآیندهٔ نزدیك دست بیك سلسله اقدامات جدی برای مردم سودان خوا هد زد:

حکومت انقلابی جدید از لحاظ سیاست خارجی طرفدار سیاست مستقل، حمایت از کشورهای عربی، کمك به موسسات پارتیزانی عربی وتخلیه سر زمین های عربی از اشغالگران اسرائیلی میباشد .

رژیم جدید اعلام نموده که بزودی زمینهای ملاکین رابه دهقانان بی زمین، بصورت رایگان ودمو کراتیك توزیع خوا هد کرد .

ابوبکر عباداله صدر اعظم رژیم جدید اظهار داشت: باتغییر رژیم درسودان قدرت حاکمه بدست خلق افتاد، ما باهرگونه مخالفین شدیداً مبارزه خواهیم کرد واز جنبش آزادی بخش ملی چه در افریقا، چه درآسیا وچه در امریکای لاتین جداً حمایه وپشتیبانی مینما ئیم. قطع وابستگی اقتصادی با دول امپر یالیستی را اعلان و دو ستی و نزدیکی باکشور های سو سیالستی و عربی را عملی مینما ئیم وصنایع ملی در سودان انکشاف خوا هد کرد.

در کشور ما علی رغم تبلیغا ت کشور های غربی اغتشاشی رخ نداده است. انقلاب آگاهست که نیرو های ضد انقلاب جهت انتقام آماده اند، ولی ما بر دشمنان خلق رحم نخوا هیم کرد .

یك خبر دیگر میرساند که رژیم جدید سو دان جمهورت دمو کراتیك آلمان را برسمیت شناخت .

کشور سو دان در شمال شر قی افریقا واقع است وبا هشت مملکت سرحد مشترك دارد: در شمال جمهوریت عربی، در غرب یك حصهٔ لیبیا، جمهوری چاد وجمهوری مرکزی افریقا، در جنو ب جمهو ری کانگو ـ استانویل، جمهوری اوگندا وجمهوری کنیا و درشرق آن حبشه و دریای احمر میباشد.

مساحت سو دان دو ملیون وپنجصد هزار کیلومترمربع وجمعیت آن پانزده ملیون نفر است وپنبه از تولیدات عمدهٔ زراعتی آن بشمار میرود.

---

زنان ومردان کشور! منافع ملی خلق افغانستان حکم مینماید که باید در مبارزات انتخاباتی دوره سیزدهم شوری، فعالانه شرکت کرد! باید عناصر صدیق ملی ودموکراتیک، ترقیخواه وطنپرست کشور را تشویق کرد تا خودرا کاندید نمایندگی شوری نمایند. باید به نمایندگان واقعی خلق ومدافعان سرسپرده وطن ما افغانستان رأی داد!

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک افکارو خپرونکی

۱۲ جوزا ۱۳۴۸

## رویداد های مهم جهان

### در هفتهٔ گذشته

### در ویتنام

جبههٔ آزادیبخش ملی ویتنام جنوبی در هفتهٔ گذشته به مناسبت سالگرد بودا اعلان کردکه ازتاریخ (۲۷) الی (۲۹) می یك متارکهٔ (۴۸) ساعته را مراعات خواهد نمود .

معهذا عساکر اشغالگر امریکا همچنا ن به تجا وزات خودبر خلق ویتنام ادامه دادند ، از جمله طیارات امریکایی (۷۰۰) تن بم بر شهرهای ویتنام جنوبی فروریختند .و زن هریك ازین بمهاکه برای نخستین بار بر مردم بیدفاع آنجا فروریخت (۷)تن است. مقابلتاً پارتیزانها بایك حملهٔ شجا عانه در یك میدان هوایی (۱۷) طیارهٔ امریکائی را نا بود ساختند.

درواشنگتن سناتور ادواردکنیدی وجارج وایت مخالفت شدید خودرا با جنگ ویتنام اظهار نمودند وعقیده دارندکه باید عساکر امریکا ازویتنام خارج شوند .

روزنامهٔ آزادی ارگان جبههٔ آزادی ملی ویتنام نوشته است که: یك حکومت انقلابی ملی در ویتنام جنوبی بوجود آمده و سیستم کمیته ها ـ وشوراها را تطبیق مینماید . این حکومت در هفتاد فیصد اراضی ویتنام جنوبی نفوذ دارد وامورمربوط به مردم را انجام می دهد. زمینهای زیادی را بین زحمتکشان تو زیع کرده است ، شبکه های وسیع طبی ، آموزشی ، مخابراتی وغیره را دارا می باشد و از پشتیبانی مردم بر خوردار است .

در هفتهٔ گذشته ، میخائیل سوسلوف عضو دفتر سیاسی حزب کمو نست اتحاد شو روی با نمایندهٔ دایمی جبههٔ آزادیبخش ملی ویتنا م جنوبی ملاقات کرد . نمایندهٔ مذکور، تشکرات خودرا بمناسبت حما یت همه جانبه وپیگیر اتحاد شوروی ابراز داشت . سوسلوف آمادگی برای هرگونه کمك رابه جبههٔ آزادی بخش ملی ویتنام جنوبی اطمینان داد .

### در شرق میانه

در سوا حل کانال سویز همچنان آتشباری ادامه داشت . وزیر خارجهٔ اسرائیل اظهار کر د : اسرائیل خاکهای اشغالی عربی را ترك نخواهد نمود. آژانس رویتر ازشرق میانه اطلاع دادکه یك طیارهٔ اسرائیل توسط واحدهای ضد هوایی جمهوریت عربی متحد سقوط داده شد وسرنشینان آن همه کشته شدند .

(۱۴) سرباز اشغالگر اسرائیل در هنگام بر خورد با مبارزان عر بی در صحرا ی سینا کشته شد ، مقابلتاً مبارزان عربی در یك هفته (۶) تن از همرزمان خود را از دست دادند .

و زیر دفا ع اتحاد شور وی بروز (۷) جوزا با هیأت نظا می عراق ملاقات کرد ودر بارهٔ مسایل مورد علاقه با آنها بمذاکره پرداخت.

همچنان وزیر خارجهٔ آلمان دمو کرا تیك از جمهوریت عربی متحد در مورد سیاست خارجی آن ، طرفداری کامل خود را اعلان کرد .

### تولید طیاره (تو ۱۴۴)

تولید طیارهٔ (تو ۱۴۴) یکی از موفقیتهای بزرگ صنایع طیاره سازی اتحاد شوروی بشمار میرود. این نخستین طیاره مسافر بر دار مافوق سرعت صوت است که فا صله بین مسکو ونیویارك را در ظرف سه ساعت طی میکند . جراید دنیا ازین انکشاف جدید در هوانوردی با ابراز تحسین استقبا ل کر دند ، از جمله نیویارك تایمز آنرا « شهکار فوق العاده در جهان» خواندولوموند آنرا « سرویس بزرگ هوائی توسط اتحاد شوروی» نام نهاد .

### در فرانسه

بمناسبت نامزدی یکی از اعضای حزب کمونست فرانسه بریا ست جمهوری، در بزرگترین سالون ورزشی فرانسه متینگ بزرگی تشکیل گردید. والدك روشه منشی حزب کمونست فرانسه درین متینگ اظهار داشت: نمایندگان محا فل مالی وسر مایه داری از قبیل پومپیدو وپوهر اگر در انتخابات ریا ست جمهوری موفق شوند ، وضع ما لی فرانسه بد تر خواهد شد . باید مردم به نمایندگان واقعی خلق رأی بد هند تا آنها وضع دشوار موجود فرانسه را بر طرف سازند .

### در یونان

حکومت نظامی یونان درمقا بل موج بزرگی از اعتراضات مردم قرار گرفته است و برای پو شاندن جنایات خود محاکمه های ساختگی پی در پی تشکیل میدهد . حکومت نظا می، کمونستها وفرزندان صدیق خلق را به حبسهای طویل المدت محکوم می سازد و به آنها اجازهٔ دفاع داده نمیشود. در همین چند روزگذشته ، بیست ونه نفر محکوم به حبسهای طولانی شد . معهذا مبارزهٔ مردم برای اعادهٔ آزادی و دموکراسی در یونان، توسط حکومت نظامی متوقف نخواهد شد .

## متن قطعنامهٔ متعلمان وطنپرست

### د شپی لیسه

دانشجویان وطنپرست « دشپی لیسه » درپایان مظاهرات تاریخی (۳) جوزای خویش که ماخبر آنرا در شمارهٔ گذشته بخوانندگان محترم پرچم رسانیدیم، قطعنامه ئی صادرو متن آنرا بغرض نشر به دفتر پرچم سپر ده اند که ما متن آ نرا در ذیل این سطور به نشر می سپاریم :

«قطعنامهٔ ذیل که در ختم متینگها وتظاهرات متعلمین « دشپی لیسه » برسم اعتراض علیه اعمال خودسرانه ووحشیانه دستگاه پولیس حکومت ، امروز ، در مقابل جنبش ملی ووطن پرستانه طلاب معارف و استادان ومحصلین پوهنتون صورت گرفته ، ترتیب و به جریدهٔ ملی پرچم حامی وناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان غرض نشر تقدیم مینمائیم .

ما متعلمین شپی لیسه که جمعیت ما مرکب از کارگران و مامورین پائین رتبه بوده ، بادرك وقعبینانه ومتکی به احساس وطنپرستانه به منظور پشتیبانی کامل و پیگیر از حقوق برادران ما در مکاتب ابن سینا ودارالمعلمین و ابراز همبستگی وهمدردی با محصلین جوان وروشنفکر پوهنتون ، به منظور دفاع از عموم طبقهٔ رنجبر و ستمکش افغانستان، در برابر ظلم و استبداد وبالاخره به منظور برآورده شدن بعضی مطالبات معقول صنفی خود دست به تظاهرات قانونی و خیابانی زده و بعد از رسانیدن صدای اعتراض ما به گوش حکومت و مقامات مربوط ، قطعنامهٔ ذیل را ارائه داشته و برآورده شدن جدی وفوری محتویات این قطعنامه را از حکومت خواهانیم :

۱ ـ بازگشتاندن فوری تمام متعلمین مکاتب ابن سینا ودارالمعلمین به صنف های شان بدون قید و شرط .

۲ ـ برآورده شدن فوری خواستهای استادان و محصلین پوهنتون .

۳ ـ محاکمهٔ علنی کسانیکه توسط حملات وحشیانهٔ پولیس در پوهنتون ، ابن سینا و دارالمعلمین مردم را برخاك و خون کشاند .

۴ ـ رهائی فوری تمام محبوسینی که درجریان تظاهرات قانونی ازطرف حکومت خلاف موازین حقوق بشری وقانون اساسی ، توقیف گردیده اند.

۵ ـ چون شپی لیسه به اساس تصویب وزارت معارف باسایر لیسه ها داری عین امتیاز بوده ، برآورده شدن خواستهای ذیل هدف ماست :

الف : تعدیل سال تعلیمی از ۱۴ ماه به ۹ ماه و ازدیاد ساعات درسی جهت تکمیل پروگرام.

ب : تعطیل دورهٔ مکلفیت تاختم دورهٔ تحصیل مطابق سایر لیسه ها وانجام خدمت عسکری در مکتب احتیاط .

ج : لغو شرط داشتن تصدیق صنف شش ویا صنف نهم به حیث رکن شمول در شپی لیسه .

د : اجازهٔ شمول صنوف مسلکی در صنوف عمومی و توسعهٔ صنوف مسلکی .

هـ : تاسیس شپی پوهنځی در حدود و چوکات ممکنه .

و : تهیهٔ یك مرکز دایمی ومتحد برای تدریس وتجهیز آن بالابراتوار.

ز : تعیین نمره کانکور ، مطابق کانکور پوهنتون .

باترتیب وتصویب قطعنامهٔ فوق یکبار دیگر به حکومت افغانستان یادآور میشویم که ما به پیروی ازاصل دموکراسی واقعی به منظور ایجاد یك جامعهٔ نوین ومترقی و به منظور وصول به اهداف صنفی و عمومی خود مبارزات دلیرانه و پیگیر خودرا در چوکات اصول و اخلاق ، مطابق اصول جهانبینی علمی به پیش می بریم و در راه تحقق آرمانهای خلق خود به مبارزه پیگیر وبی امان خود ادامه داده ، در مقابل هیچگونه موانع عقب نشینی نخواهیم کرد . و بازهم اگر بخواستهای ما ترتیب اثری داده نشود ، عکس العمل ماجدی تر و عواقب وخیم آن بدوش کسانی خواهد بود که درراه این جنبش سنگ اندازی میکنند .

زنده باد جوانان پیشرو ومترقی افغانستان .

زنده باد اتحاد و همبستگی تمام توده های ستمکش افغانستان .

**ترتیب و تقدیم از طرف**
**متعلمین دشپی لیسه**

## اعتصاب مؤفقانه دریوران پروژه

### آبیاری پروان

دریوران پروژهٔ آبیاری پروان بروز (۲۹) ثور بغرض برآورده شدن خواستهای صنفی خویش دست به اعتصاب زدند .

خواستهای دریوران را تهیهٔ نان ومسکن ، تادیهٔ معاش اضافه کاری، سفریه ، دریشی کار ، عدم سرغچ تانکی موترها و قید تیل بجمع دریوران ، تعیین درجه و مراعات لایحه نساجی و سایر پروژه های دولتی در مورد آنان تشکیل میداد . در متینگی که ضمن این اعتصاب ازطرف دریوران پروژه تشکیل شد، رئیس پروژه به محضر دریوران حاضر شده ، از جملهٔ هشت خواست متذکره ، شش خواست آنانرا قبول کرده و دو خواست دیگر (نان و مسکن) آنرا به کسب اجازهٔ وزارت زراعت موکول کرد .

بنابرآن اعتصاب دیوران پروژه که از ساعت (۸) قبل ازظهر آغاز شده بود ، مقارن ساعت (۴) روز مذکور موفقانه خاتمه یافت.

## در آلمان غرب

منابع خبر رسانی بن گفتند : متخصصین آلمان غربی با دستمزدهای کلانی در جمهوریت مردم چین مشغول کار اند .

**تصحیح ضروری:** در عنوان « تظاهرات معلمان دشپی لیسه » در صفحه (۴) شمارهٔ گذشته کلمهٔ ( معلمان )، ( متعلمان) خوانده شود .

در فیصله نامهٔ استادان دارالمعلمین عالی در صفحه (اول) شمارهٔ مذکور تعداد استادان (۲۴) نفر چاپ شده، به (۴۲) نفر تصحیح گردد .

همچنان در صفحه (۴) شمارهٔ گذشته ، سطر اخیر ستون اول خبر « اعتصاب کارگران فابریکه پشمینه بافی کابل » چنین خوانده شود : « آلمانی در برابر مطالبات کارگران در پیش » و سطر (۶) ستون دوم همین خبر چنین تصحیح گردد : « فابریکه کارنه نماینده همهٔ ایشانرا ».

## نامه اعتراضیه کارگران فابریکه

### چینی سازی شاکر

ما منسوبین وکارگران فابریکهٔ (چینی سازی شاکر) ، هفت ماهست روی معاش را ندیده ایم . دریں مدت همه روزه کار میکنیم و بحاضری مربوط مهر وامضا مینمائیم ، اما وقتی معاش خودرا میخواهیم رئیس فابریکه در اجرای آن به بهانه های مختلفی تعلل می ورزد .

مثل اینکه تنها به استثمار ظالمانه ئی که برما تحمیل کرده اند، قناعت ندارند و میخواهند آنچه را بنام به اصطلاح معاش بخور ونمیری دربرابر اینهمه جانکنیهای ما قبول کرده اند نیز بر ملیونهای خویش بیفزایند . زیرا رئیس فابریکه به امید امروز و فرد وبه بهانهٔ اینکه فابریکه را فروخته است وبالاخره پول آنرا خواهد گرفت و معاش حق وحلال ما را خواهد پرداخت ، فریبمان میدهد ؛ ولی در برابرچشم ما محصولات زحمات وحاصل نیروی کارما را بفروش میرساند و پول آنرا برسرمایهٔ خویش می افزاید .

ما یکنیم ماه قبل باین مناسبت بمدیریت عمومی کار وکارگر نیز مراجعه کردیم ، ولی کسی حاضر نشد بعرض ما بپردازد .

خواستیم بوسیلهٔ پرچم خلق افغانستان که مدافع صدیق حقوق کار گران کشور است . اعتراض شدید خودرا نسبت باین عمل غیر قانونی و غصب حقوق مسلم خویش بمقامات مربوط ابراز و تقاضانمائیم تا هرچه زودتر باین مسأله حیاتی ما بپردازند .

**( محل امضاء و مهر ۲۴ نفر زن و مرد ـ کارگر وکارمند فابریکه )**

## اعتصاب و تظاهرات شاگردان لیسه

### میربچه خان کوهدامن

شاگردان لیسه میربچه خان کوهدامن بروز یکشنبه (۴ جوزا) به منظور تامین بعضی خواستهای عمدهٔ صنفی خویش و رفع مشکلات اهالی کوهدامن و به پشتیبانی از شاگردان لیسه ابن سینا و پوهنتون کابل دست به اعتصاب وتظاهر زدند ، شاگردان طی قطعنامه ئی خواستهای خویش را قرار آتی ابراز داشتند :

ـ برای ساختمان تعمیر اساسی لیسه میربچه خان اقدام جدی صورت گیرد ،

ادارهٔ لیسه اجازه دایر شدن کنفرانس ها را در هر پانزده روز بدهد ،

در ولسوالی میربچه کوټ تاکنون شفاخانه وجود ندارد ، ادویه و امبو لانس که از طرف مردم خریداری شده باید بدسترس ایشان قرار داده شود ،

ـ ولسوال تعهد نماید که من بعد به خلق شریف کوهدامن نا سزا و دشنام ندهد ،

ـ کود کیمیاوی ازانحصار ملاکان بزرگ خارج ساخته شود ،

ـ نرخها تحت کنترول قرار داده شود ،

ـ سرك بین فرزه و آغا سرای ترمیم گردد ،

ـ مسوو لین حوادث اخیر درلیسه ابن سینا و پوهنتون کابل تحت باز خواست قانونی قرار گیرند .

از (ص اول)

## ۵۰ سال از استقلال ...

زیر فشار خورد کننده خود خم گر دانیده، مخارج بلند حیات وقیمتها که استقرار ندارد، زندگی را براکثریت عظیم توده های مردم طاقت فرسا ساخته است ،

ـ پروسه تمرکز ثروت و قدرت اقتصادی بدست یك اقلیت ناچیز جامعه همچنان ادامه دارد، شرایط زندگی نه تنها بهبود نیافته، بلکه آنهاییکه عاید ثابت وکم دارند، از این لحاظ هرچه بیشتر در وضع نا مساعد تری قرار میگیرند ،

ـ در جامعه تضاد بین فقر وثروت شدت می یابد، زندگی در شهر و ده یك زندگی جهنمی است، اکثریت عظیم مردم ما از خوراك وپوشاك انسانی ، مسکن ، مکتب وشفاخانه محرومند، آنها در فقر، ستمکشی، بدبختی، بیکاری، جهل وبیماری بشیوه قرون وسطایی حیات بسر می برند،

ـ تسلط نیروهای استبدادی وارتجاعی نظام فرتوت فئودالی وقبیلوی و کوچیگری، همچنان پابر جاست ونفوذ مستبدین، مرتجعین و متنفذین محلی در شهر و ده روز افزون است ،

ـ دامنه احتکار، سود خواری، سوء استفاده، ارتشاء وبازار سیاه که از طریق اینها مبنای اقتصادی طبقه حاکمه استحکام می یابد، هر چه بیشتر وسعت میگیرد ،

ـ پالیسی داخلی حکومتها قویاً موجب تشدید اختلافات وتبعیض نژادی ، قومی، لسانی، منطقوی، مذهبی واز نظر جنس (زن و مرد) وغیره در میان مردم میگردد وتبعیض هنوز باتمام قوت خود در جامعهٔ ما وجود دارد وهنوز اتحاد ملی وخلقی درکشور، در چوکات وطن واحد ما افغانستان تامین نگردیده است .

اینهاست حد اقل مسایل بسیار حاد وعمده که میتوانست در مدت به مراتب کوتاهتر از پنجاه سالیکه از استقلال کشور میگذرد، حل گردد. در حالیکه اینها جزء وظایف جاری دولتهای جوان برخی از کشور های تازه به استقلال رسیده است، ولی در افغانستان بنابر دسایس استبداد و ارتجاع ونفوذ استعمار وامپریالیزم، تسلط مناسبات فئودالی وحکومتهای دارای خصلتهای ارتجاعی فئودالی میسر نگردید که درپنج دههٔ تمام، پس از اعلام استقلال سیاسی این حداقل پروگرام کار انجام گردد. مسلماً حکومتهای کنونی نیز بنابر ماهیت طبقاتی وخصلت خود، قادربحل این مسایل نیستند. لهذا حل فوری این مسایل مبرم و حیاتی وپرابلم های عمدهٔ دیگر جامعه را در مرحله کنونی یك حکومت انقلابی ملی ودموکراتیك، در کمترین زمان میتواند حل نماید .

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر : سلیمان لایق

تیلفون : ۲۳۱۶۴

دیوی گڼی بیه ۲٫۵۰ – افغانی

مطبعه دولتی

از(ص اول)

# باید ارتجاع فتنه انگیز ...

انجام منظور نا پاك خود، این گروه ناچیز به اصطلاح «انقلابیها» که از هیچ عمل غیر وطنپرستانه شرم ندارند و منافع خلق وطن را طعمه شعله های حرص و از اجنبی‌پرستی خود میسازند، در فاصله یك روز در برابر نمایندهٔ امپریالیزم سکوت مرگبار اختیار می نمایند، ولی بخواست ارتجاع وامپریالیزم امریکا وآلمان‌غرب، چون‌باندهای گانگستری، در برابر دوست وطن ما افغانستان فتنه انگیزی و توطئه چینی میکنند وبصورت عیان و آشکار دستور خود را از«دیپلوماتهای» شووینیزم‌عظمت‌طلبانه حاصل میدارند، بدون‌تمیز دوستان ودشمنان خلق نعره سرمیکشند و صراحتاً بشکل خائنانه به نفع ارتجاع وامپریالیزم، درروز روشن «شب نامه های» فتنه‌گرانه پخش می نمایند.

همچنان بموازات فعالیت‌چپروان اخلالگر، هستند محافل ونیروهای ارتجاع راست‌طبقه حاکمه وابسته به نیرو ها وشبکه های امپریالیستی که انتقام جویانه وبشکل تفتین‌آمیزی به مانور ها ودسایس و تحریکاتی دست میزنند تا زمینه راعملا برای از بین بردن حد اقل آزادیها وایجاد اختناق هرچه بیشتر درکشور، بسود جناح ارتجاع راست هیأت حاکمه افغانستان و امپریالیزم مساعد سازند.

گروه ها و نیرو های فتنه‌گر، از راست ترین جناح ارتجاع‌وابسته به امپریالیزم امریکا و آلمان غرب وشبکه های جاسوسی آنهاگرفته تا چپروان وابسته به شووینیزم‌عظمت طلبانه (یعنی هردو جناحیکه عملا در موضع دفاع از فئودالیزم و امتیازات اقتصادی سرمایه داری دلال وامپریالیزم قرار دارند) در ین اواخردرکشورما نیز مانند کشورهای سر مایه داری با بی بند وباری تمام اشتهارات ورکلامهای تبلیغاتی وعوامفریبی دامنه داری را براه انداخته اند ـ اینها عیناً بشیوه سرمایه داران و دلالان تجارتی که از طریق اعلانات پر زرق وبرق وپرسر وصدا، با بیشرمی کامل ودروغگوئی عیان متاع تقلبی خود را میفروشند ـ در پی آنند که بوسیله رکلامهای سیاسی مردم را فریب دهند. اینها اکنون بطورعوامفریبانه ودر جامهٔ پروگرامهای نمایشی و فریبنده و «لفاظی انقلابی» بمثابه اپوزیسیون رسمی تیپ بورژوازی‌لیبرال باسوء استفاده از احساس و ذهنیت مردم‌به مثابه بازار مساعدی، میکوشند اجناس ناجور خودرا بفروش رسانند. شگفت آور تر اینکه این عناصر معلوم الحال‌مربوط به سازمان جاسوسی «سیا» بیشرمی را تا جایی رسانیده اند، که‌از(جریان دموکراتیک خلق افغانستان) نیز توقع دارند تا آنهارا در سیاست فتنه‌انگیز نه‌شان‌پشتیبانی نمایم‌وبا ایشان در یك جبهه قرار گیریم که بدینوسیله هم هدف محافل و گروههای اخلالگر در جهت تضعیف وتخریب نهضت رهایی بخش ملی ودموکراتیك کنونی کشوربرآورده گردد و هم با آن آقایانی‌که سوابق کار و زندگی و وابستگی های‌ایشان به شبکه های‌جاسوسی امپریالیستی به همگان معلوم است و توقع دارند که دو باره قدرت را بدست گیرند، همکاری صورت گیرد.

این آقایان باید بدانند که ما هرگز در جهت نفع فردی وگروهی کسانیکه در سیاست‌بر سر نوشت مردم سوداگری نمایندومعامله‌کنند، قرار نخواهیم‌گرفت. ولی‌بایدخاطرنشان ساخت که ما حتی برای یك لمحه وظایف خویش را بمثابه مخالفین سرسخت چپ ودموکراتیك با حکومتهای افغانستان نه در دوران حکومات گذشته فرا موش‌کرده ایم ونه کنون در برابر حکومت فعلی شاغلی اعتمادی فراموش مینمائیم.

اینموضوع آنقدر صراحت دارد که درین مختصر ضرورت‌به استدلال موجود نیست‌وگذشته ازآن به‌تازگی در یکی از شماره های قبلی پرچم (شماره هشتم) ضمن بحث بر «مشی سیاسی جریان دموکراتیك خلق افغانستان» یکبار دیگر نظر ما در زمینه تشریح گردیده است و همچنان در بیانیه های فراکسیون پارلمانی ما در جلسات رأی اعتماد بر حکومت شاغلی اعتمادی‌که از تربیون پارلمان ایراد گردید، با شجاعت وقاطعیت تمام، موضع خود را در وجود فراکسیون انقلابی دموکراتیك وچپ اصولی پارلمانی با حکومتهای تیپ کنونی افغانستان تشخیص و تعیین کرده ایم.

سوال درینجاست‌که آیا از لحاظ اصول انقلابی صحیح است با «اپوزیسیون» ارتجاع راست هیأت حاکمه کشور وماجرا جویان چپرو اخلالگر که نیات سوء وماهیت غیر ملی هردو جناح معلوم است، برای به قدرت رساندن‌آنها ویااخلالگری همکاری کرد؟ مسلماً پاسخ اصولی منفی است.

از آنجائیکه احزاب سیاسی در افغانستان‌رسماً تشکیل نگردیده وتا هنوز رشد نیافته اند که‌حکومت های «حزبی» آینده را از روی مرامنامه وخط مشی سیاسی آنها، بخصوص از روی عمل وترکیب اشخاص آنها، تشخیص‌دهیم ویکی‌را بر دیگری از لحاظ تاکتیکی مرجح شمریم واز آنجائیکه تا هنوزاحزاب وجریانات ملی و دموکراتیك و ترقیخواه وطنپرست و فرزندان صدیق خلق که خارج از دستگاه دولت تکامل کرده باشند، از یکسو در مرحلهٔ رشد ابتدائی خود اند وازسوی‌دیگر بنابراختلافات ونفاقها میان این جریانات جبههٔ ائتلافی ایجاد نگردیده است، لهذا باید به‌تاسی از افکار عامه شخصیت و سوابق کار مدعیان شتابزده حکومت آینده را چه بحیث‌صدراعظم سابق، چه بحیث وزیر وسفیرسابق وفعلی، چه بحیث مامور عالیرتبه در دستگاه دولت افغانستان مطالعه کرد نه آنکه فریب گفتار هاوحرکات نمایشی واین الوقتی ومانور های دروغین آنها را خورد. بهمه حال باید در مورد آن «شخصیت های» مربوطبدولت افغانستان‌که‌برای اشغال کرسی صدارت وحکومت تلاش میورزندلااقل‌نکات زیرین باید مورد مطالعه وقضاوت قرار گیرد:

– عمل و نظر آنها در برابر تطبیق آزادیهای مصرحه در قانون اساسی کشور و رشد دموکراسی؛

– عمل‌ونظر آنهادر برابر ارتجاع دست راستی هیأت حاکمهٔ افغانستان؛

– عمل و نظر آنها در بارهٔ انجام برخی اصلاحات اساسی اجتماعی ودموکراتیك و رشد بالنسبه سریعتر اقتصادی جامعه؛

– موضعگیری نسبی آنها دربرابر ارتجاع سیاه، استبداد ونفوذ استعمار نوین در کشور؛

– عمل ونظر آنها در برابرتعقیب سیاست بیطرفی مثبت وفعال ملی ومترقی بمعنی واقعی آن، نه فقط بمعنی حفظ توازن قوا ومعامله گری سیاسی؛

– ذهنیت وتمایل نسبی آنها دربرابر جبهه امپریالیزم وتجاوز و جبههٔ صلح و ازادی ودموکراسی ونهضتهای آزادی بخش ملی‌ومترقی؛

– وبطور عام سوابق کار آنها در دستگاه دولت افغانستان.

بر مبنای این معیار های بسیار بسیار حد اقل، برای موضعگیری نسبی ملی و دموکراتیك، باتأسف باید اذعان داشت که اغلب‌اشخاص سابق و کنونی دولتی افغانستان نتوانسته اند نه تنها به نفع ودر جهت تطبیق معیار های حد اقل‌فوق از بوته آزمایش برایند، بلکه بزیان ودر جهت مخالف آنها عمل‌کرده‌اند وهمیشه چون ابن الوقتان موافق به جریان آب حرکت کرده اند و همیشه وسیله استبداد، ارتجاع واستعمار بوده اند. معهذا در چنین وضعی وظیفه مبرم سیاسی تمام نیرو های ملی و دموکراتیك است که علی الوصف‌عقب ماندگی‌ومراحل ابتدایی رشد خود بکوشند که‌حد اقل در جریان دورهٔ انتخابات دورهٔ سیزدهم شوروی بر مبنای ایجاد یك جبههٔ ائتلافی انتخاباتی وپلتفرم مشترك(که طرح‌فورمولبندی شده هردو در شماره های گذشته پرچم بزبان های پښتو ودری ارائه‌گردیده است)، متحد گردند تا بالنسبه نماینده های واقعی مردم رادرپارلمان بفرستند و سپس در اثر مبارزه پارلمانی و خارج پارلمانی راجع به رئیس و اعضای حکومت نقش موثر ایفاکنند. وحد اقل مطابق‌به معیار های فوق وپلتفرم مشترك برای بوجود آمدن حکومتی بالنسبه مساعد قانونی وملی آمادگی گیرند ودر نتیجه جناح راست ارتجاع هیأت حاکمه و اخلالگران چپرو را تجرید نمایند. تا جائیکه به جریان دموکراتیك خلق افغانستان ارتباط میگیرد، در اوضاع واحوال کنونی ازلحاظ‌تاکتیکی، دربرابرچنین‌حکومتی که حد اقل بجهت منافع ملی مردم افغانستان حرکت کند، بمثابه وظیفه مبرم روز بی ملاحظه نخواهد ماند. ولی به هر حال ما مطابق به خط مشی جاری وعمومی خود باحکومتهای با ماهیت موجود طبقاتی ارتجاعی آنها از اساس پیوسته‌مخالف بوده و هستیم وعلیه آن مجدانه مبارزه کرده وخواهیم‌کرد ونظر و عمل غیر ملی وغیر دموکراتیك آنها را همیشه بی امان افشاء خواهیم کرد ودر راه ایجاد یك حکومت انقلابی ملی و دموکراتیك درین مرحله تاریخی، پیگیر مبارزه خواهیم نمود تا سر انجام حکومت واقعی دموکراتیك خلق افغانستان بوجود آید. لیکن هرگز آله ووسیله فتنه گران وعوامفریبان جناح‌راست ارتجاع واپورتونیزم چپ (چپروان فتنه گر) بغرض اخلال‌گری وماجراجویی و یا بقدرت رساندن نیروهای ارتجاع راست‌هیأت حاکمه‌افغانستان قرار نخواهیم گرفت.

از (ص اول)

# مردم بیلانس و ...

همگان میدانند که پروژه وادی هلمند نه تنها یك پروژهٔ خیلی پر مصرف وکمر شکن برای اقتصاد ناتوان کشور ما میباشد، بلکه یك پروژهٔ کاملاناکام‌است. «سازندگان» این پروژه حتی این زحمت را بخود ندادند که قبل از آغاز ساختمان، خاك منطقه را تجزیه‌و مطالعه نمایند. در نتیجه قسمت بیشتر اراضی که تحت آبیاری قرار گرفت وپس از مصارف بسیار گزاف پولی وصرف انرژی انسانی، شوره زار از کار در آمد، برای پوشانیدن این نقیصه ده ها ملیون دالر وافغانی دیگر به مصرف رسید و بسیار نیروی انسانی ضایع گردید ولی نتیجه‌ئی ثمر بخش بار نیاورد.

قسمت هائی از اراضی که تا حدودی از طریق پروژه آبیاری میگردد قبلا زمینهای زراعتی بوده‌و سر سبزی آن‌ها از برکت پروژه نمیباشد. صحیح است که حصه‌ئی از اراضی در تحت این پروژه آباد و زراعتی گردید، ولی به چه قیمتی‌تمام شد؟

از آنجائیکه پروژهٔ به اصطلاح زراعتی وادی هلمند نتوانست‌حداقل توقعات را بر آورده سازد، بطور مصنوعی شهری بنام لشکر گاه احداث گردید تا از یکطرف وسایل راحتی امریکائیان و قشر هائی از مأموران راحت طلب مهیا گردد واز جانبی نقص وناکامی پروژه که بنام پروژه زراعتی احداث گردیده بود، با فعالیت های شهر سازی و ساختمان منازل باشکوه وعصری‌غیر اقتصادی پوشانیده‌شود. ولی خانه‌های گلین، ناقص وغیر صحی که برای دهقانان ناقل در ساحه تحت کار پروژهٔ هلمند ساخته شد، قبل از آنکه مورد استفاده قرارگیرد، شوره ونم زمین آنها را از پای در آورد.

دلچسپ است تذکر داده شود که این پروژه «زراعتی» حتی مصرف سبزیجات ماموران واهالی این شهر را تکافو کرده نمیتواند وسبزیجات مورد ضرورت از کندهار و گرشك انتقال داده میشود، در حالیکه بهترین قسمت از زمین به شکل‌فارم زراعتی در آورده شده وبدین منظور تخصیص داده شده است، از آخرین تکنیك زراعتی‌وهمچنین کودکیمیاوی در آن استفاده میگردد، تعدادزیادی «متخصصین» زراعتی‌در آن مصروف کار و «تحقیقات» استند.

در پهلوی تبلیغات وسیعی که در نشرات حکومتی برای پروژه وادی هلمند بحیث «غله خانه آینده» افغانستان صورت گرفته است، به اعترافات دلچسپی بر میخوریم. مثلا اینکه: دهقانان‌به تحقیقاتی که‌توسط مامورین فنی و زراعتی وادی هلمند صورت گرفته‌اعتقاد ندارندویا اینکه مجموع پنبه دانه ایکه ازین «پروژهٔ بزرگ» بدست می آید، مواد خام سه ماهه فابریکه روغن نباتی هلمند را تکافو کرده نمیتواند و فابریکه که به قرضهٔ غیر مساعد و کمرشکن از انگلستان خریداری و به منظور تبلیغاتی در وادی‌هلمند بکار افتاده، اکنون به رکود مواجه شده است.

نواقص، ناکامی ها، مصارف بسیار گزاف وبی لزومی که در ساختمان این پروژه واز سالیان دراز به اینطرف به اصطلاح دردورهٔ «بهره برداری» در آن صورت‌گرفته و میگیرد و اینکه این پروژه چطور بحیث یك پایگاه امپریالیستی مورد استفاده قرار گرفته وقرار میگیرد محتاج بحث وتحلیل عمیق‌است و از آنجائیکه درینجا از یکسو مجال بحث مفصل نیست واز سوی دیگر فرکسیون پارلمانی دموکراتیك‌خلق افغانستان قبلادر پالمان‌طی‌بیانیه‌های مستدل نواقص‌آنرا بطور همه جانبه افشا کرده است، درینجا صرف با اظهار تعجب این سوال را مطرح مینمائیم که آیا تبلیغاتچی های دستگاه حکومت افغانستان میتوانند مسؤولیت این همه دروغ بافی ها وتعاریف اغراق آمیز را در بارهٔ پروژهٔ ناکام وادی هلمند که نه زراعتی، نه صنعتی ونه چیز دیگریست، در برابر هزاران ملیون افغانی حاصل دسترنج مردم فقیر و محروم افغانستان که به خاطرآن به تاراج برده شده است، به پذیرند و فردا در پیشگاه خلق جواب دهند؟

درینجاست که از حکومت افغانستان و به خصوص وزارت‌پلان جداپرسشی بعمل‌می‌آید که‌در عوض این همه تبلیغات میان خالی‌و گزافه گوئیها در بارهٔ پروژهٔ صد در صد ناکام وادی هلمند که بجز پایگاهی امپریالیستی چیزی نیست، به‌خلق افغانستان‌جواب دهندکه‌تاچه‌وقت‌این پروژه ازلحاظ‌مصارف بزرگ سالانهٔ خود بر دوش مردم نادار وفقیرجامعهٔ ما بار است؟ چراالاقل بحیث یك تصدی‌ملی درآورده نمیشود؟ تاپس از بیست سال و مصرف هزاران ملیون افغانی و صرف نیروی کار انسانی از درك عواید خود، مصارف خود را تکافو نماید. از وزارت پلان جداً تقاضا میگردد که بیلانس مصارف و عواید بیست ساله این «غله خانه آینده (!)» افغانستان را بغرض آگاهی و قضاوت مردم، متکی به حقایق وارقام ارائه نماید و بیش ازین مسألهٔ‌مصارف عظیم‌وعوایدشرم آور آنرا لاینحل و مخفی نگاه نکند. آخر مردم حساب میخواهند و روزی فرا میرسد که از مسؤولین آن باز خواست خواهند کرد.

**هلمند**

-۳-

# باید قوانین ضد دموکراتیک ـ ضد خلقی

## وضد ارزشهای دموکراتیك قانون اساسي لغو گردد

«مرتجعین غضبناك» دستگاه حاکمه تنها به تبعیض وعدم تساوی حقوق افراد مختلف جامعه در تقدیر جزا اکتفا نکرده، بلکه بدستیاری حقوق دانان فضل فروش وعهدعتیق خود که عقل سلیم را به تلی از دست داده‌اند، موادی در اصولنامهٔ امنیت عامه‌گنجانیده اند، که مانند سایر اعمال شان ننگین است.

ماده (۱۸۸) اصولنامه امنیت عامه تصریح می کند: «هرگاه محکمه به‌مرتکب یکی از جرایم جنحه مذکور فصل‌اول‌ودوم باب‌دوم وفصل اول ودوم باب سوم به حبس بیش از ۹ ماه یابه تادیه جریمه بیش از پنجهزار افغانی حکم کند، می‌تواند اورا از بعضی حقوق اجتماعی نیز محروم نماید» خصومت دستگاه علیه خلق ودموکراسی، در حکم‌این ماده اصولنامه امنیت عامه آشکار وانکار ناپذیر است، خاصتاًکه بعد از انفاذ قانون اساسی جدید باز هم اصولنامهٔ مذکور عملاً در معرض تطبیق قرار داشته ودر عین زمان قوانینی نظیر آن را در معرض‌تطبیق قرار می دهند.

این فضل فروشی‌حقوق دانان(!) وقتی متبارز تر می گردد که‌می‌بینند درهیچکدام از مواد فصل اول ودوم باب دوم و فصل اول ودوم باب سوم اصولنامهٔ امنیت عامه بیش از چهار هزار افغانی جریمه برای جرایم مقید در «ابواب» و «فصول» قانون مذکور قید نگردیده است. یعنی محاکم نمی توانند باتکای مواد «ابواب!» و «فصول!» ذکر شده در ماده (۱۸۸) کسی را محکوم به جزای جریمه حتی پنجهزار افغانی بنمایند، بنابر آن ذکر جمله «به تادیه بیش از پنجهزار افغانی» در ماده (۱۸۸) زاید، غیر عملی ونشانه بارز سطحی بودن دستگاه و حقوق دانان آن به حساب می رود.

متن ماده (۱۸۸) شاهد زندهٔ بی‌مبالاتی گروه مسلط برسر نوشت مردم، در امور خلق می باشد. آنها حاضر نیستند حتی زحمت مرور مجدد ده یا پانزده ماده قانون را بر خود هموار ساخته وببینند که جنبه عملی آنچه را بنام قانون به‌خورد مردم می دهند، تاکدام اندازه است.

حبس کمتر از ۹ ماه فقط درچهار ماده (۴۷) ماده فصول پیش بینی شده در ماده (۱۸۸) اصولنامهٔ امنیت عامه به مشاهده می رسد، اگر چه از نظر حقوقی «محرومیت از حقوق اجتماعی توأم با جزای حبس» دریك جرم معین، خود ضد دموکراتیك است، حفظ احکام آن بحیث مجموع بافصل «حقوق و وظایف اساسی مردم» درقانون اساسی نیز تضاد ریشه ای دارد.

پاراگراف اخیر ماده (۲۶) قانون اساسی حکم می کند: «هیچ افغان به تبعید در داخل افغانستان‌وخارج افغانستان محکوم نمی شود» ولی جزء (۵) ماده (۱۹) اصولنامهٔ امنیت عامه‌نه تنها تبعید را جزای جنایی تثبیت نموده، بلکه ماده (۱۳۷) آن می گوید: «هر شخصیکه اهالی مملکت را به جنگ وقتال علیه یکدیگر تحریص وتحریك کند واین عمل او هیچ تاثیری نه بخشد به تبعید. دو سال محکوم می گردد» تناقض صریح حکم این ماده با پاراگراف اخیر ماده (۲۶) قانون اساسی به هیچ وجه کتمان شده نمی تواند و نه قابل توجیه است.

«سلب تابعیت» و «محرومیت از حقوق سیاسی» یکی دیگر از لکه‌های سیاهیست بر دامان اصولنامهٔ امنیت عامه که بر سوایی هر چه بیشتر دستگاه کمك می کند.

ماده (۲۷) قانون اساسی حکم میکند: «هیچ افغان به علت اتهام بیك جرم بدولت خارجی سپرده نمیشود». ولی «سلب‌تابعیت» درجزء(۸) ماده (۱۹) اصولنامه امنیت‌عامه یکی از جزا های جنائی تثبیت گردیده وهنوز که هنوز است در تعدیل ویا الغای آن جزئی ترین اشاره‌ئی هم نه «فرموده» اند. شرم آورتر ازین عملی نیست که دستگاه حاکمه «قانوناً» حاضر شود از یك افغان سلب تابعیت نماید.

فصل «حقوق ووظایف مردم» قانون اساسی مملو از اثبات حقوق سیاسی مردم افغانستان است، اما جزء (۶) ماده (۱۹) اصولنامهٔ امنیت عامه محرومیت از حقوق سیاسی را بحیث جزای جنائی می شناسد که متاسفانه دستگاه قضائی هم درموارد بخصوص آن را تطبیق می کند.

اینها وده ها موارد دیگر درقانون امنیت عامه وجود دارد که سراسر ضد خلقی، ضد دموکراتیك وضد ارزش های دموکراتیك قانون‌اساسی می باشند.

مردم ما طی چهار سال ویازده‌ماه که از انفاذ قانون اساسی میگذرد، ملاحظه نمودند که باوجود صراحت های روشن در قانون اساسی مبنی بر رفع تبعیض در برابر قانون، تاکید تأمین حقوق اجتماعی‌وسیاسی، حفظ کرامت بشری‌واز بین بردن قوانین ضد آزادیهای قانون اساسی باز هم دستگاه حاکمه به اساس احکام قوانین منسوخ وبه شیوهٔ سابق در تلاش است تا آزادی های دموکراتیك مردم را مختنق ساخته وعملا نشان‌دهدکه تقریر های‌اخباری ورادیویی شان پیرامون آزادی وتساوی حقوق‌جز اغوای اذهان‌خلق رنجدیده، چیزی نیست.

برای تحقق تساوی حقوق همه مردم و تحقق ارزشهای دموکراتیك قانون اساسی یگانه چاره اساسی، تشکل واتحاد همه مردم ومبارزه برای ازبین بردن تبعیض‌های‌قانونی، افراط وتفریط جزا در اعمال مشخص جرمی، امکانات استفاده‌های «قانونی» برای‌نجیب زاده هاوغارتگران‌واقعی، لغو مواد وقوانین ضددموکراتیك، ضد خلقی وضد ارزشهای‌دموکراتیك قانون اساسی است.

سوال برسر این است‌که کی‌باید برکی پیروز شود؟ مایقین داریم که حق اکثریت استثمار شوندگان‌بر باطل اقلیت استثمار گران پیروز می گردد، بشرطیکه برای پیروزی باز هم متحد ومتشکل شدودلیرانه، پیگیر و متحدانه مبارزه کرد.

---

# تمام زمین های زراعتی

## دهقانان قریه ((ذهان)) ولسوالی رستاق را

## از دست شان کشیدند

پدران ما از زمانهای پیشین درقریهٔ ذهان ولسوالی رستاق‌سکونت‌داشتند. ایشان تقریباً سه هزار جریب زمین للمی‌اطراف دهکده‌خودرا میکشتند وزندگی یکنواخت وغم‌انگیز خودرا زیرچکمه های استبداد طولانی ولاینقطع سپری میکردند. آنان علاوه بر اضافه ستانی هائیکه‌ملاکان فیودال‌برایشان‌تحمیل‌میکردند مالیات قانونی‌زمین های للمی‌خودرانیز میپرداختند. زحمت للم کاری ازنسل ها به نسل ها انتقال کرد و بالاخره به نسل مارسید.

درین اواخر که زمزمه دموکراسی‌وآزادی (!) بین مردم ما راه یافت، نو خواهان‌ماامید وارشدند‌که‌بزندگی نوینی بگذرند و از نعمت این‌دموکراسی وآزادی‌بر خوردار شوند. در طلیعهٔ این دموکراسی طلایی (!) تحفه ایکه برای ما رسید اینبود که‌تنی چند بنام ... از بقایای دوران‌ملوك‌الطوائفی سندی را بنام فرمان دورهٔ امیرعبدالرحمن‌خان ارائه‌نموده‌وبر مزارع للمی دهقانان «ذهان» دعوای مالکیت نمودند.

چندی قبل‌همین متنفذین، باساس همین‌فرمان، هفت‌قریه رانیزتصاحب کردند که عبارتنداز: ملوان، انگاربان، گردن ریگ، سرغار، دشتك، به‌خواه وذهان بالا. ما باشندگان ذهان پائین آخرین شکار این متنفذین‌بودیم هرچند از ولسوالی تاولایت شکایت بردیم وهرچند دادوفغان کردیم موثر نیفتاد. سه تن از متنفذان محلی که روی قراردادی‌با وارثان میرهمکاری میکنند، همه درهای مراجعه و دادستانی را برویمابستند، اگرهیأت حکومت آمد واگر حکم، اگر تحقیق واگر دعوی، فیودالیزم غلبه کرد و نظام فیودالی با آن همکاری نمود. یکسو هزار نفر دهقان وسوی دیگر ملکان فیودال ومتنفذین محلی قرار دارند. میر ها بقیمت خلع ید هزار تن دهقان در روز گار دموکراسی‌و آزادی (!) یك‌پایگاه بزرگ فیودالی را بنانهادند وصدها فامیل را آواره نمودند.

اکنون وارثان میرها حتی ازدفن کردن اموات باشندگان قریه های مذکور در قبرستان‌قریه‌ها جلوگیری بعمل میآورند.

اکنون فیودالان مذکور دستور کوچ اهالی را داده اند و ما مردم بدبخت که‌دروطن اجدادی خوداینهمه مورد ظلم واستبدادقرار گرفته ایم، مجبوریم سر پناهها وخانه گکهای خودرا ترك کرده‌مزارع‌خودرا بایشان واگذار شویم.

دیگر نه جای شکایتی باقیست که به آن روی آوریم ونه امیدی که بدان چشم دوزیم. مردم ازغم‌وغضب دست میگزندوهیچ‌روشنی نمی‌بینند.

فرزندان وطن ـ این‌دهقانان‌شریف فریاد میکشندونظام فرتوت فیودالی را محکوم میسازند.

**(عده ئی از نمایندگان دهاقین قریهٔ ذهان ولسوالی رستاق)**

# وضع ماموران متقاعد

## رقت انگیز است

**پرچم، ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان!**

روزها انعکاس درد ها ورنجهای‌خلق شریف افغانستان‌را درصفحات‌تو خواندم. امروز بر من است تا دردهای استخوان سوز مردانی‌راکه‌درین خاك موی سپیدرا به نقدجوانی‌خریده اند وعمری به فلاکت و محرومیت زندگی نموده اند بتو باز گویم.

همه میدانند که اکثر ماموران‌تقاعد زده بیشتر از بیست سال‌بهترین ایام حیات خود را در اداره دولت گذرانده اند و درین مدت‌لااقل‌بدر ۵–۶ فرزند شده اند. پسران وفرزندان شان نان میخواهند، لباس میخواهند، خانه میخواهند وسایل‌ادامه تحصیل‌میخواهندو امایدرانشان‌کوپون ندارند، بیمه ندارند، خانه ندارند وتازه‌بعد از افزودی معاش(!) تقاعدهم حتی نمی توانند لب نان‌خشکی با این باصطلاح معاش (!) تهیه ببینند، چه رسد به لباس ودواووسایل ادامه تحصیل ومهمتر‌ازهمه‌کرایه خانه!

همین دیروز بهوای ملاقات یکی ازدوستانم، شتافتم‌بسوی‌خانهٔ‌او. او‌که‌دوسال‌قبل مانند من ذایقه مرگزای تقاعد را چشیده‌است. همینکه بدرب منزل کرائی اش نزدیك شدم، روز به پایان رسیده بود. دیدم کودکان نیمه‌برهنهٔ او با لبان‌خشکیده وچهره های رنگ پریده کنار دیوار صف کشیده اند. پرسیدم پدر تان کجاست؟

واقعه عجیبی رخداد! دفعتاً‌آرامش مایوسانهٔ کودکان مظلوم بهم‌خورد، بسوی من دویدند، از من گذشتند وتارو گشتاندم دیدم درعقب من بدستهای‌لرزان‌پدرخویش چسپیده‌اند ونانی راکه در دست او بود، پارچه پارچه ربودند وهریك بگوشهٔ رفته، باعجله وحشت انگیزی بخوردن آن مشغول شدند.

دوست متقاعدم در حالیکه آثار انفعال از چهره‌اش پیدابودزهرخندی بر لبش شکست وگفت: گناهشان نیست، طفلکانم تمام روز چیزی نخورده اند. صرف سه افغانی‌داشتم وهمین یك قرص‌نان شد. این بگفت وگلویش را بغض گرفت، بسرعت بدرب خانه‌در آمد. گوئیانمی خواست بیشتر ازین‌شاهد بیچارگی اوباشم.

آری، اوازوضع خود شرم‌داشت، ولی آیاآنانیکه دربرابر این وضع رقتبار فقط به همین‌دل خوش‌کرده‌اند که مقدار ناچیزی به معاش متقاعدین بیفزایند وآنگاه بلند گویان خود را بمانور های بلند آوازهٔ تبلیغاتی در اطراف این بخشش‌بی‌ریا (!) بگمارند ازتصورچنین‌صحنه هائیکه‌گریبانگیر عدهٔ کثیری از تقاعد زدگانست، احساس انفعال نمیکنند؟

**«ح.ح. چغتائی»**

## درد ها، شکایتها واعتراضات خلق

# بشهر کهنه غزنی توجه نمیشود

تجربهٔ تاریخ موید این حقیقت است که در جوامع طبقاتی همواره اکثریت خلق زحمتکش که مورد استثمار بیرحمانه مشت ناچیزی از طبقات حاکمهٔ ستمگر قرار دارند. از تمام نعمات مادی و مزایای یك زندگی مرفه مدنی محرومند، همانگونه که تمام وسایل راحتی و نعمات مادی مفت طبقات حاکمه است، در زندگی شهری و مدنی‌نیز بهترین موقعیتها، عالیترین عمارات وسایر امتیازات شهر نشینی، در اختیار ایشان قرار داردو موسسات به اصطلاح خدمات عامه (!) مانند بنباروالیها وغیره هم در خدمت آنان داد اخلاص وفداکاری میدهند، ولی به آنجا که محیط زحمتکشانست اصلا توجهی نمیشود، توگوئی‌اعتنا به آنرا دون شان و مقام اجتماعی خویش می شمارند.

شهر کهنه غزنه که روزگاری بخاطر اینکه مقام سر بر آوردگان ایندیار بود از درودیوارش زیبائی و افتخار میبارید، ولی اکنون که جایگاه اکثریت زحمتکشان و طبقات محروم غزنی است، از بام‌و در شکسته وازهم‌پاشیدهٔ آن گندگی وکثافات میبارد.

اکنون در آن شهر چهار صد شاعر نامدار از مراکز علم وفرهنگ اثری نیست، جای آنهمه باغ و باغچهٔ اطراف منازل را خندقهای پر از مکروبها وکثافات گرفته و هر آن غریب خانه های اهالی زحمتکش را خطر انهدام تهدید میکند وهستی ویرانه نشینان را امراض گوناگون مورد هجوم قرار میدهد. اضافات این آبهای کثیف و گندیده از دل خندقها به سینهٔ‌جویها سرازیر میشوند وبا مشك سقابها بکوزه و کاسه مردم می ریزند، مرض تولید می کنندو مرگ می آفرینند.

بازار ها وکوچه های تنگ و متعفن، خانه های لرزان و سر هم انباشته، هرگز روی تنظیفات و صفائی‌را ندیده است، زیرا:

این موسسه عام المنفعه(!) ایکه بنام بنباروالی در غزنی وجود دارد وادارهٔ به اصطلاح صحت عامهٔ آن، فقط‌به آنگوشهٔ شهر منهمك ومتوجه است که ارباب نفوذ، نمایندگان طبقات حاکمه‌وعمال حکومتی‌تشریف دارند ویا مسیر سیاحت بزرگان مملکت است، واما در مورد اهالی شهر کهنه که اکثریت آنرا زحمتکشان و پیشه وران تشکیل میدهند، بیشتر به تحصیل‌محصول صفائی (!) می اندیشند، تا مسأله تنظیفات شهر وصحت عامه.

بنابر آن باشندگان محروم شهر کهنه غزنه حق دارند که نسبت به این عدم توجه مقامات مسؤول به حیات خویش، شدیداً اعتراض نمایند وخواستار توجه جدی وفوری درین زمینه گردند.

**ع، سیحون از شهر کهنه غزنی**

# سرك دهانه غوری یا پرتگاه خطرناك

دهانهٔ غوری ودره های مجاور آن که در حدود بیش از چهل هزار نفوس دارد ناحیهٔ پر فیضی است که سالانه صدها هزار سیر غله وپسته حاصل میدهند. اکثریت اهالي دهانهٔ غوری را دهقانان للم کارتشکیل میدهند، دهانهٔ غوری‌به خاطر تراکم نفوس و موقعیت خود سالها بحیث یك مرکز مهم اداری دولت گاهی مرکز حکومت وگاهی مرکز حکومت کلان باقی مانده است. روزانه چندین عراده موتر به خاطر انتقال‌مردم وحاصلات‌منطقه ازدهانهٔ غوری به پلخمری که در فاصلهٔ ۳۰ کیلو متری آن موقعیت دارد، رفت وآمد میکند، اما سرك دهانهٔ غوری بدون مبالغه بیك پرتگاه خطرناك تبدیل شده است. برای عرادجات خیلی آسانتر است که‌از مزارع، کردها، پلوان ها وجویبارهابگذرد، تا گذشتن ازین سرك پرخطر.

کرایهٔ موتر ها نسبت خرابی سرك از ده افغانی به سی افغانی بلند شده است. حیات هزاران نفر از عابرین زحمتکش دهانهٔ غوری به مناسبت خرابی‌سرك باخطرمواجه شده است. مراجع مربوط دستگاه دولت بفریاد ها، اعتراضات و مراجعات مردم هیچ اهمیتی ندادند.

باوصف اینکه برای ساختمان‌قسمت جدید این سرك (از باغ شمال تانهر کورگان) یك فیصدی پول را ازلبلبو کاران غوری وضع کردند، ولی سرك به همان‌وضعیکه تذکر رفت‌باقیمانده است. مردم دهانهٔ غوری بخاطراین وضع بر حکومت اعتراض میکنند و فریاد میزنند: ما سرك میخواهیم!

**م. شریف از دهانه غوری**

(دلمړی مخ پاتی)

# دشوروی اتحاد او افغانستان ...

د ۱۹۲۱ کال د فبروری د ۲۸ د ۱۲۹۹ کال د حوت د لسمی نیټی د دوستی تړون او د ۱۳۱۰ دسرطان د دوهمی د ۱۹۳۱ د جون د ۲۴ نیټی د میثاق بله بی طرفی او دنه تیری تړون چه د افغانستان او شوروی اتحاد ترمنځ لاس لیك شوی تراوسه پوری د دواړو خواوو د روابطو د اساس او بنسټ په حیث پاتی شوی او په پوره ډاډ د دواړو هیوادو د ګټو دپاره خدمت کوی د دواړو هیواد په ګډو سرحدو کښی وضع او کراری د آسیا په دغه سیمه کښی د ثبات او نړی دسولی په ټینګیدوکښی مهم عامل ګڼل کیږی.

د افغانستان او شوروی اتحاد تر منځ دوستانه روابط په وروستیو (۵۰) کلو کښی دبیلو، بیلواجتماعی نظامونو لرونکو دولتو د سوله ایزه ګډ وژند عملی نمونه او سر مشق دی.

دواړو خواوو د افغانستان او شوروی اتحاد د ښه ګاونډیتوب دنیمی پیړی د مراسمو له نمانځلو سره د دواړو هیوادو تر منځ دعلایقو د دوام او پراختیا نه خپل پوره رضائیت څرګند کړ او وئی ویل چه دغه علایق د کړکیچنو کشالو او لانجو څخه پاك دی او دمتقابل احترام او اعتماد روح لری.

د شوروی اتحاد او افغانستان تر منځ اقتصادی او فنی ګټوری او ډول همکاری په بری سره روانی دی، تجارت ددواړو خواوو په ګټه پراختیا مومی، او د دواړو خواوو تر منځ علمي او فرهنګی روابط لا پسی غنی کیږی.

افغانی لوری رضایت څرګند کړ چه دشوروی او افغانستان اقتصادی مرستی ګرد سره سیاسی شرایط نلری، او د افغانستان دولس د اقتصادی ودی د اساس د ټینګولو په کار کښی ئی لوی رول لوبولی دی. او دشوروی اتحاد په مرستو په افغانستان کښی د برښنا دطاقت صناعتی موسسی او د حمل او نقل عصری لویی لاری جوړی شوی اویا تر جوړیدو لاندی دی.

دواړو خواوو دا هم وویل چه د شوروی اتحاددتجربو څخه افغانستان کښی د اوبو لګولو د ودانیو دجوړولو په کار او د اوبولګولو دلویو موسسو په جوړولو کښی ښه استفاده شویده.

دواړو خواووړضایت ښکاره کړ چه یو زیات شمیر افغانی علمی فنی او مسلکی کدرونه د شوروی اتحاد په مرسته تیار شویدی.

د خبرو په جریان کښی دواړو خواوو دشوروی اتحاد اوافغانستان تر منځ داقتصادی مرستی د مسئلو په باب خبری کړی‌او دهغو اقتصادی موافقه لیکونو د موفقانه اجراء په باره کښی چه د دواړو هیوادو ترمنځ لاس لیك شویدی خپله رضا مندی ښکاره‌کړه او وئی‌ویل چه‌دافغانستان د دریم اقتصادی پنځه کلن پلان په جریان کښی ددغی همکاری دپراختیا دپاره د هغو تړونو په اساس چه پخپل وخت کښی ددواړو خواوو ترمنځ لاس لیك شویدی ښه‌امکانات موجود دی.

دواړو حکومتو فیصله وکړه چه د شوروی اتحاد او افغانستان د اقتصادی او فنی مرستی ګډ حکومتی کمیسیون جوړ کړی.

دواړو خواوو دځمکنی او هوایی حمل و نقل په برخه کښی د دواړو هیوادو تر منځ د نویو امکاناتو وجود او دغه راز د دواړو هیوادو او د دی سیمی د نورو هیوادو د ګټو سره سم دترانزیت په مقصد افغانستان د لویو لارو پکار اچولو امکان ته توجه لری.

دواړو خواوؤ ټینګه عقیده وښودله چه دافغانستان او شوروی اتحاد تر منځ به دعنعنوی دوستی روابط او پراخه همکاری په آینده کښی هم بریالی وی پراختیا او ټینګار و مومی.

دشوروی اتحاد لوری دافغانستان بیطرفی او له ډلو ټپلو سره نه یو ځای کیدل چه د افغانستان په ترقی او پرمختګ پوری د مربوطو مسئلو دحل د پاره مهم امکانات برابروی او افغانستان د هغه په پیروی د نړی د نورو سوله غوښتونکو هیوادو د ستاینی او احترام لیاقت موندلی دی سنا ئی.

شوروی اتحاد او افغانستان په نړی‌کښی دیوی دوامداره سولی د ساتلو او د ټولو لویو او کوچنیو دولتو ترمنځ دمساواتو له مخه د مرستی د پراختیا په باب ګڼه آرزو مندی او یو شان نظر لری.

شوروی اتحاد او افغانستان ټینګه اراده لری چه د نورو سوله دوستو هیوادو په‌ملګرتیادبین‌المللی جنجالی مسئلو دلری کولو او د تسلیحاتی مسابقو د بندولو او د اټومی وسلی د خپریدو د مخنیوی په لاره کښی کوښښ وکړی. دواړه خواوی پدی عقیده دی‌چه‌قوت باید دبین المللی مسئلو د حل وسیله نشی. د دولتونو تر مینځ په علایقو کښی داختلاف په باب مسئلی باید د خبرو له لاری او دملګرو ملتو د منشور د عالیه اصولو سره په پوره توافق په سوله ایزه وسایلو حل او فصل شی. شوروی اتحاد او افغانستان د ټولو ملتونو دی حق ته په درنه سترګه ګوری چه دخپلو آرزو ګانو او ګټو مطابق‌دملی اقتصاد او فرهنګ د ترقی او دژوندانه د سویی په لوړولو اوپه داخلی چارو کښی د خپلو ملي او عنعنوی ارزښتونو مطابق د خارجی قوت د هر ډول مداخلی نه آزاد وی.

شوروی اتحاد او افغانستان یو ځل بیا په سیاسی لارو چارو په داسی ډول‌دویټنام‌دمسئلی دسمدستی اوعادلانه حل خپله طرفداری څرګندوی چه دویټنام دخلکو هیلی پکښی په ځای او ویټنام پخپلو کورنیو چارو کښی دخارجی مداخلی نه فارغ وی. دواړو خواوو په څو عربی دولتو باندی د اسرائیلو پرله پسی نظامی پارونی غندلی او پدی عقیده دی چه د نیول شویو سیمو نه داسرائیلو د ټولو قواوو دایستلو نه پرته په منځنی ختیځ‌کی پخه او دوامداره او عادلانه سوله ټینګیدای نشی.

دافغانستان صدراعظم اودشوروی اتحاد دوزیرانو دشورا رئیس پخپلو کتنو اوخبرو کښی دقهرمانی د هغه عصر په یادونی سره چه دافغانستان او شوروی اتحاد خلکو هر یوه د استعماری او امپریالیستی قواوو دتیریو په خلاف د خپلو دولتو د استقلال نه ددفاع دپاره مبارزه کوله یوځل بیا دهغو خلکودعادلانه مبارزی په پوره ملاتړ کښی چه تر اوسه پوری داستعمار تر تسلط لاندی دی ددواړو خکومتو ټینګه اراده څرګنده کړه. چه ډیرژر دپردو داسارت له جغ نه خلاص شی.

دواړه خواوی پوره عقیده لری د هغو هیوادو او خلکو د خپلواکی په‌باب چه داستعمار تر حاکمیت لاندی دی دملګرو ملتوداعلامیی پوره تطبیق نه ځنډیدونکی او حتمی دی.

دواړو خواوو دګډی علاقی وړ مسئلو په‌باب دنظر دخرګندولو په وخت کښی خپل هغه‌اساسی موقفونه تائید کړل چه پخوا دشوروی اتحاد او افغانستان په ګډو سندونو او اعلامیو کښی بیان شوی دی.

دواړو خواوو تصمیم څرګند کړ چه‌په آینده کښی هم ددوو اړخیزو روابطو دپراختیا دمسئلو په باب اود هغو مهمو بین المللی مسئلو په باره کښی چه دواړه خواوی ورسره دلچسپی لری په زغرده او څرګند ډول دخپل نظر ښکاره کولو لار تعقیب کړی.

او ددغه مقصد دپاره په بیلو بیلو سویو دشخصی تماسونو او لیدنو کتنو عنعنی ته دوام ورکړی.

دواړو خواوو ډاډ څرګند کړ چه افغانستان ته دشوروی اتحاد د وزیرانو د شورا د رئیس الکسی ن. کسیګین مسافرت به دشوروی اتحاد او افغانستان دعلایقو په زیاته ټینګتیا او پراختیا کښی نوی او مهمه برخه ولری.

دشوروی اتحاد دوزیرانو دشورا رئیس الکسی ن. کسیګین او د هغه ملګرو دهغو تودو او صمیمانه هرکلیو له کبله چه ددوی دسفر په وخت کښی شوی د افغانستان د حکومت اوولس نه تشکر وکړ.